


نوع مقاله: ترویجی

رویکرد آیت‌الله مصباح یزدی در رابطه با جنسیت زن و خانواده*

مهروی ایمانی / سطح ۴ فقه خانواده جامعه الزهراء

mhryaimani098@gmail.com  orcid.org/0009-0009-8118-6612 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

چکیده

یکی از مسائلی که امروزه در مورد آن اختلاف نظر فراوانی وجود دارد بحث از حقوق و تکالیف زن و مرد است. مدعیان این باور، زنانگی و مردانگی را نقش‌های اعتباری می‌دانند که جامعه به افراد بخشیده است. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. براساس رویکرد آیت‌الله مصباح یزدی به مسئله جنسیت زن و خانواده که رویکردی کلامی و اجتهادی است، به اثبات حقیقت جنس مذکر و مؤنث براساس تفاوت‌های روحی و جسمی که در هریک از این دو دسته وجود دارد، پرداخته و سپس آثار ناشی از این تفاوت‌ها را که منجر به تعیین حقوق و تکالیفی برای هریک از دو جنس می‌شود ذکر می‌کنیم. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که این تفاوت‌ها هرگز به معنای ظلم در حق زن و برتر بودن مرد نیست؛ بلکه هر دوی آنها در حقیقت و روح انسانی واحدند و تنها تفاوتشان در جهات جسمی و روانی است که خداوند متناسب با این تفاوت‌ها برای تکامل آنها حقوق و وظایف متقابلی را مشخص کرده و مسیر تکامل و سعادت را برای همه انسان‌ها مهیا کرده است.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، زن، خانواده، حقوق، تکالیف.

مقدمه

مقالات متعددی نیز در زمینه زن و حقوق و تکالیف او به نگارش درآمده است که از جمله «نگاهی به شخصیت حقیقی زن از منظر آیات و روایات با تأکید بر بحث تعارض دلیل‌ها» (توحیدی، ۱۳۹۲)؛ «جنسیت در خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی» (بستان نجفی، ۱۳۹۷) اشاره کرد. جنبه نوآوری این تحقیق در آن است که با تکیه بر آیات قرآن، رویکرد علامه مصباح یزدی را نسبت به مسئله زن و خانواده مورد بررسی قرار دهیم.

۱. زن در اندیشه علامه مصباح یزدی

برخی از افراد با انکار مسئله جنسیت و اعتباری دانستن نقش‌ها به دنبال زیرسؤال بردن حقوق و تکالیف هستند. علامه مصباح یزدی در پاسخ به این ادعا ابتدا براساس منطق فطرت به منزله راه‌حل اساسی برای مسائل اجتماعی اشاره می‌کنند سپس تفاوت‌های سرشت زن با مرد و نیز امتیازات فطری زن بر مرد را مورد بررسی قرار می‌دهند.

ایشان می‌فرمایند: سه عامل اساسی در پیدایش و رشد نهضت‌های دفاع از زن بیشترین تأثیر را داشته است؛ اول: عامل شهوانی؛ که درصد برآمدند که تحت عنوان فریبده حقوق و آزادی زن، او را از قید و بند عفت رهایی دهند و زمینه ارضای هرچه بیشتر شهوات حیوانی خود را فراهم کنند. دوم: عامل اقتصادی؛ سرمایه‌داران و کارفرمایان درصد دستیابی به نیروی کار ارزان برآمدند؛ زنان را به محیط کارخانه‌ها کشاندند و از آنان بهره‌برداری اقتصادی کردند. سوم: عامل سیاسی؛ در نظام‌های مردمسالار که مدعی اتکای حکومت بر آرای مردم بودند، از زنان به علت انعطاف‌پذیری در اثر تبلیغات، سوءاستفاده می‌کردند تا به قدرت دست یابند. اما متأسفانه این سوءاستفاده از زنان با نام فریبده آزادی دادن به آنها آثار نامطلوبی از خود به‌جای گذاشت که از جمله آنها ابتذال و نابودی کرامت زن‌ها، رواج همجنس‌بازی، فروپاشی نظام خانواده، افزایش تعداد دختران و زنان بیوه است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۶۵-۵۸). بر این اساس ایشان تأکید دارند که حقوق زن از دیدگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا با مشخص شدن آن حقوق، شخصیت حقیقی زن به‌عنوان یک انسان و خصوصاً یک مسلمان به‌طور دقیق شناخته شود تا کرامت انسانی او در سایه شناخت این حقوق و اجرای آن حفظ گردد. به‌همین دلیل به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های زن و مرد در جنبه‌های مختلف می‌پردازند. ابتدا مباحث جنسی مربوط به زن را از دیدگاه این عالم بزرگوار مورد بررسی قرار می‌دهیم (همان، ص ۷۵).

پرداختن به مسئله جنسیت زن و حقوق و تکالیفی که به زن به‌عنوان عضوی از پیکره اجتماع تعلق می‌گیرد، از مسائلی است که سالیان درازی متفکران اسلامی و غیراسلامی، نظرات متعددی را پیرامون آن مطرح کرده‌اند. اما شاید بتوان گفت در یک قرن اخیر رویکردهای مختلفی نسبت به این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گرفته باشد.

منظور از رویکرد همان روش فکری علما پیرامون یک مسئله است. از جمله علماء، آیت‌الله مصباح یزدی است که با رویکردی کلامی و اجتهادی برای تفسیر حقوق زن و خانواده از مباحث فلسفی و اجتماعی استفاده می‌کنند. ایشان دین را با توسعه در تضاد نمی‌دانند و دیگران را هنگام هجوم شبهات دعوت به پاسخ‌گویی براساس عقل و منطق می‌کنند و از لجاجت و تعصب پرهیز می‌دهند. از طرفی منابع دین اسلام یعنی آیات و روایات را صحیح دانسته و معتقدند که احادیث باید مورد بررسی قرار گیرد و در عین حال معتقدند پاسخی که عقل به خیلی از شبهات می‌دهد، می‌تواند پاسخی متقن و مستدل باشد. ایشان معتقدند زن و مرد به جای دریافت این حقوق از دادگاه‌ها، بهتر است در سایه یک زندگی الهی و اخلاقی با پایبندی به تقیدات این حقوق را برآورده سازند.

اهمیت بحث در موضوع جنسیت زن، آنجاست که بعد از روشن شدن نگاه اسلامی به تفاوت‌های موجود در زن و مرد تکالیف و حقوقی که بر عهده هر یک از آنها مشخص می‌شود که با انجام آن وظایف و حقوق، بستر رشد و تکامل آنها در مسیر عبودیت فراهم می‌شود. جنبه نوآوری تحقیق، پرداختن به واقعیت جنسیت زن و آثار آن با رویکرد علامه مصباح یزدی است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که رویکرد علامه مصباح یزدی به جنسیت زن و خانواده چه رویکردی است؟

در رابطه با مسئله زن و خانواده مفسران بزرگ قرآن همچون علامه طباطبائی در تفسیر المیزان و آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم، در آیات متعددی (نساء: ۱۲۴؛ نحل: ۹۷؛ آل عمران: ۱۹۵) ضمن پرداختن به ماهیت وجودی زن و ذکر این نکته که میان زن و مرد از بعد انسانی و معنوی تفاوتی وجود ندارد، به ذکر وظایف و تکالیفی که بر عهده زن هست و حقوقی که در قبال آن تکالیف برخوردار می‌شوند، می‌پردازند. رویکرد مفسران به آیات وارده در رابطه با زن و حقوق و تکالیف او، متنوع است. برخی با رویکردی فقهی و حقوقی، عده‌ای کلامی و فلسفی و... آیات را تفسیر کرده‌اند.

۲. ماهیت و حقیقت انسانی زن

علامه مصباح یزدی در بررسی ماهیت و حقیقت انسانی زن معتقدند از لحاظ فلسفی، زن در حقیقت انسانی با مرد اشتراک دارد؛ یعنی زن مانند مرد، انسان است. پس همهٔ اموری که از نظر تکوینی و تشریحی برای انسان به‌لحاظ انسان بودنش ثابت است، برای زن نیز ثابت خواهد بود. موارد تکوینی و تشریحی که زن در آنها با مرد تفاوت و اختلاف دارد، به یقین ربطی با انسانیت که وجه اشتراک مرد و زن است، ندارد. اوج مقامات معنوی فاطمه زهرا^{علیها السلام} جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد که در سیر و سلوک به‌سوی حق، محدودیت جنسی وجود ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۴۲).

زن و مرد، از جهت ارزش ذاتی و حقیقت انسانی، در پیشگاه الهی یکسان‌اند و در سیر بندگی و امکان رسیدن به مقامات عالی معنوی هیچ مزیت و رجحانی بر یکدیگر ندارند. خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷). ایشان معتقدند تفاوت‌هایی که سبب تنوع حقوق و احکام می‌شوند به دو بخش کلی قابل تقسیم است:

الف. تفاوت‌های جسمانی که با تجربه حسی قابل درک است و در فیزیولوژی و آناتومی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

ب. تفاوت‌های روحی که آگاهی به آن از طریق تجربه حسی مقرون به تجزیه و تحلیل‌های عقلانی، امکان‌پذیر است و در علم روان‌شناسی از آن بحث می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ص ۹۵).

۳. تفاوت جسمانی زن و مرد

۱. دستگاه تناسلی: دستگاه تناسلی مرد و زن اختلاف روشنی دارند. یاخته‌های جنسی مرد (اسپرم) با یاخته‌های جنسی زن (تخمک) نیز دارای تفاوت‌های اساسی هستند و مردان نقش مهمی در تولیدمثل دارند. ۲. تفاوت در شکل پستان: پستان‌های زن به‌گونه‌ای طراحی شده که نوزاد به راحتی می‌تواند از آن تغذیه کند.

۳. دورهٔ قاعدگی در زنان: حکمت الهی، اندام زن را به‌گونه‌ای پی‌ریخته است که در هر ماه، چند روزی، مقداری از خون خود را دفع کند. زن در این مدت به‌طور معمول حالتی بیمارگونه دارد؛ دچار ضعف جسمی است؛ به‌همین جهت نیازمند استراحت نسبی است.

۴. نیازهای جنسی و توانایی تولیدمثل: زن از لحظه‌ای که آبستن می‌شود تا زمانی که وضع حمل کند و اغلب حتی مدتی که فرزند را

شیر می‌دهد، آمادگی برای آبستنی دوباره ندارد و میل جنسی او کاهش می‌یابد.

۵. نیروی بدنی: آمارها نشان می‌دهد که نیروی بدنی مرد به‌طور میانگین از نیروی بدنی زن بیشتر است.

۴. تفاوت‌های روحی و نفسانی زن و مرد

۱. برخورداری زن از عواطف، انفعالات و احساسات بیشتر: این ویژگی باعث می‌شود که زن خیلی زودتر از مرد بخندد و بگرید و دستخوش سایر انفعالات شود؛ همان‌طور که عاطفهٔ بیشتر زن نیز سبب مهر و محبت، رقت قلب و عطوفت مادری می‌شود.

۲. میل زن به محبوبیت و توجه بیشتر: میل بیشتر زن به محبوبیت و مورد توجه قرار گرفتن است و در برابر، مرد به مهر ورزیدن و دوست داشتن تمایل دارد.

۳. میل افزون زن به خودآرایی و خودنمایی: زن با زیرکی خاصی می‌کوشد تا آراستگی و زیبایی خود را به دیگران، به‌ویژه مردان بنمایاند تا مردان را شیفته خود کند.

۴. میل زن به حامی داشتن: میل زن به تحت حمایت قرار گرفتن است؛ درحالی‌که مرد به‌طور معمول به حمایت کردن از دیگران میل دارد.

بعد از مشخص شدن تفاوت‌های بین زن و مرد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تفاوت‌ها می‌تواند منجر به تفاوت در تکالیف و حقوق گردد؛ یا تنها باید به تفاوت جسمانی و روحی قائل شد؟

علامه مصباح یزدی می‌فرمایند: این تفاوت‌ها منجر به تفاوت در تکالیف و حقوق می‌گردد؛ اما از آنجاکه بشر اساساً بر شناسایی همهٔ مصالح و مفاسد واقعی توانا نیست؛ لذا لازم است به وحی و نبوت رجوع کند؛ و‌گرنه می‌توانست احکام و قوانینی اخلاقی و حقوقی وضع کند که تأمین‌کنندهٔ سعادت و کمال راستین همگان باشد و در این صورت از وحی، نبوت و دین بی‌نیاز می‌شد. رمز نیاز دائم بشر به وحی و نبوت همین ناتوانی عقل اوست (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ ب، ص ۹۷).

۵. عدالت در تشریح و تکوین

با توجه به تفاوت‌های جسمی که در زن و مرد وجود دارد؛ برخی گمان کردند این تفاوت‌ها سبب شده در حق زن ظلم و ستمی صورت گیرد و اشاره به آیاتی دارند؛ مانند آیهٔ «لِلرَّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ»

سوم نشده، هیچ دشوار نیست. اگر اشکالی وجود دارد فقط در فهم این مطلب است که وی مرتکب ستمی از قسم اول (ظلم در مقام تکلیف) هم نشده است.

خداوند می‌فرماید: «وَأَلْهَنَّا مِثْلَ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةً» (بقره: ۲۲۸).

معنای قسمت اول جمله این است که حقوق و تکالیف زنان با هم متعادل است. این قاعده کلی حقوقی است که همیشه اگر برای کسی حقی جعل شود، تکلیفی نیز متناسب با آن حق بر او وضع خواهد شد؛ و برعکس اگر بر کسی تکلیفی قرار داده شود، حقی نیز متناسب با آن تکلیف برای او جعل خواهد شد. البته عین این مطلب در مورد مردان هم صدق می‌کند.

دقتی که اینجا باید به کار برد این است که متعادل بودن حقوق و تکالیف زنان، و متوازن بودن حقوق و تکالیف مردان، یک چیز است و تساوی و هم‌رتبه بودن زن و مرد چیز دیگر. قرآن کریم اولی را می‌پذیرد و دومی را رد می‌کند. جمله دوم آن، بر رد مطلب دوم دلالت دارد. اگر به مقتضای نیروها و توانایی‌های بیشتری که مرد به‌طور تکوینی داراست، تکالیف و مسئولیت‌های سنگین‌تری بر عهده‌اش گذاشته شود؛ در بخش تکلیف، بر او ستمی نشده است. حال اگر به‌ازای این تکالیف و مسئولیت‌ها، حقوق و مزایای بیشتری برایش معین شود، باز هم بدون شک در مقام تکلیف، بر او ستمی نرفته؛ زیرا تعادل میان حقوق و تکالیف او رعایت شده است.

از سوی دیگر، به زن نیز ظمی نشده است؛ اگر بنا به اقتضای توانایی کمتر او، تکالیف سبک‌تری از وی بخواهند و متناسب با این تکالیف، حقوق کمتری برایش تعیین کنند. تا اینجا مطلب روشن است؛ اما اگر حقوق بیشتر مرد با اختیارهای کمتر زن مقایسه شود، ممکن است توهم شود که به زن ظلم شده است؛ درحالی‌که اگر حقوق و اختیارهای مرد بیشتر نمی‌بود، در آن صورت به مرد ستم شده بود؛ پس برتری مرد بر زن در مقام تشریح ظلم نیست؛ بلکه عین عدل است (مصباح یزدی، ۱۳۴۳، ص ۶۷).

۶. تکالیف و حقوق متقابل زن و مرد

اسلام به‌منظور استحکام بنیان خانواده، نوعی تقسیم کار میان زن و مرد را توصیه می‌کند و هر کدام را سفارش به اموری می‌کند. این تقسیم وظایف در تقویت و استحکام خانواده تأثیر بسزایی دارد.

و «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (بقره: ۲۲۸)؛ که در این آیات به برتری مردها بر زنان اشاره دارد.

آیت‌الله مصباح یزدی در تحلیل این مسئله که این تفاوت‌ها در انجام تکالیف، ظلم در حق زن نیست؛ نظام عالم را به دو دسته عالم تکوین و تشریح تقسیم کردند و انواع ظلم را بیان کرده و مشخص می‌کنند در هیچ‌یک از این حالات، ظمی در حق زن صورت نمی‌گیرد.

الف) نظام تکوین: اساساً فقط در جایی می‌توان از عدل و ظلم سخن گفت که حقی وجود داشته باشد. موجود، پیش از اینکه موجودیت یابد، وجود ندارد تا حقی داشته باشد؛ یعنی حق اینکه از پدیدآورنده خود بخواهد که او را پدید آورد یا نیاورد؛ با این ویژگی‌ها یا با آن ویژگی‌ها به‌وجود آورد؛ بنابراین هیچ موجودی نمی‌تواند درباره اصل آفرینش یا کیفیت آفرینش خود اعتراضی داشته باشد؛ چراکه برای هیچ آفریده‌ای حقی نیست. هیچ مخلوقی نمی‌تواند به خدای متعالی اعتراض کند که چرا مرا آفریدی و از دیار عدم بیرون کشیدی. اعطای وجود، تعیین حد و چگونگی وجود در اختیار خدای متعالی است و بس. اختلاف‌های تکوینی اجناس، انواع و اصناف موجودات گوناگون، لازمه نظام تکوینی و به خیر و صلاح همه آفریدگان است. بنابراین در اصل آفرینش هر موجود و ویژگی‌هایی که به آن داده شده، سخن از حق، عدل، ستم و اعتراض نمی‌توان گفت و آنجا جای خیر و مصلحت کل نظام آفرینش است و بس.

ب) نظام تشریح: در تشریحات سه قسم عدل و ظلم ممکن است: ۱. در مقام تکلیف؛ ۲. در مقام داوری؛ ۳. در مقام اعطای پاداش و کیفر. اگر خداوند، تکلیفی را بر عهده کسی می‌گذاشت که قدرت انجام آن را نداشت، یا تکلیفی را بر دوش کسی می‌نهاد، ولی در برابر آن تکلیف، حقی به او نمی‌داد؛ در این دو صورت، در مقام تکلیف، ستم کرده بود. اگر خدای بزرگ پس از اینکه تکالیفی عادلانه براساس مصالح و حکمت‌ها بر انسان‌ها وضع کرد، برای هر کسی پاداش یا کیفری نامتناسب با کاری که کرده بود، تعیین می‌کرد؛ در این صورت در مقام داوری و تعیین پاداش و کیفر ستم روا داشته بود.

سرانجام اگر خدای متعالی پس از اینکه پاداش‌ها و کیفرها را عادلانه تعیین کرد، در عمل نه پاداش نیکوکاران را می‌داد و نه کیفر بدکاران را؛ یا اینکه نیکوکاران را کیفر، و بدکاران را پاداش می‌داد؛ در این صورت در مقام اعطای پاداش و کیفر، ظالمانه رفتار کرده بود.

فهم اینکه خداوند بزرگ مرتکب هیچ‌یک از ستم‌های دوم و

حکمت الهی اقتضا دارد که مصالح اعضای یک خانواده از بهترین راه استیفا شود. بنابراین طبیعی است که خدای متعال از هریک از زن و شوهر کارهایی را بخواهد که توانایی انجام آنها در او بیشتر باشد. بدون شک هریک از زن و مرد در برابر تکالیف و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، حقوق و اختیاراتی نیز خواهد داشت.

۱-۶. وظایف زن

حمل و بارداری وظیفه‌ای است که به حکم تکوین، نه به امر شرع، بر عهده زن نهاده شده است. رضاع و شیردهی به لحاظ اینکه از شخص پدر بر نمی‌آید، همانند بارداری است؛ در عین حال، زن می‌تواند به فرزند خود شیر بدهد یا ندهد. خدای متعال مادر را به این کار توان فرسا الزام نرموده است؛ بلکه وی را بدین کار در سوره «بقره» آیه ۲۳۳ توصیه اخلاقی کرده است: «يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ»؛ مادران فرزندان خویش را دو سال تمام شیر می‌دهند؛ برای کسی که می‌خواهد شیر دادن را به انجام برساند.

شریعت اسلام به مادر حق داده است که در برابر این کار از شوهرش درخواست اجرت کند و اگر پدر از پرداخت آن امتناع ورزد، مادر می‌تواند از شیر دادن خودداری کند.

حضانت و نگهداری کودک اگرچه برای پدر محال و نامقدور نیست و گاهی به سبب بیماری یا مرگ یا جدا شدن همسر یا عوامل گوناگون دیگری بر عهده او قرار می‌گیرد؛ لکن بی‌شک برای مادر آسان‌تر است. پس حکمت اقتضا می‌کند که این کار از زن خواسته شود؛ اما نه به صورت الزام و تکلیف؛ که اگر از انجام دادن آن سر باز زند، تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. خانه‌داری یعنی کارهایی از قبیل شست‌وشوی خانه، شستن لباس‌ها و فراهم آوردن غذا، اگرچه عملاً در همه جوامع بر عهده زن است، لکن از نظر اسلام تکلیف الزامی وی نیست. اگر زن داوطلبانه و با رضا و رغبت کارهای خانه را بر عهده بگیرد، امری پسندیده است و در غیر این صورت می‌تواند در برابر انجام دادن این گونه امور مزد بخواهد و اگر شوهر از پرداخت آن خودداری کند، زن می‌تواند کارهای خانه‌داری را انجام ندهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ب، ص ۶۲).

۲-۶. وظایف مرد

در برابر وظایفی که زن در عرصه زندگی خانوادگی بر عهده می‌گیرد، شوهر نیز مکلف به یک سلسله تکلیف‌های وجوبی و استجابی است؛

که مهم‌ترین آنها پرداخت هزینه زندگی زن و فرزندان است. بر شوهر واجب است که هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و سایر ضروریات زندگی همسر خود را بپردازد؛ بچه‌دار باشد یا نباشد. نباید گفت چون پرداخت هزینه زندگی زن در مقابل رنج‌هایی است که وی در دوران بارداری، شیردهی، بچه‌داری و خانه‌داری متحمل می‌شود، پس پرداخت هزینه زندگی زنی نازا، مریض یا معلول بر شوهر واجب نیست؛ زیرا در مقام وضع احکام و قوانین اجتماعی و تعیین حقوق و تکالیف افراد جامعه، همیشه باید اوضاع و احوال اغلب را لحاظ کرد و موارد استثنایی نمی‌تواند ملاک باشد. پرداخت هزینه زندگی زن نیز بر اساس حکمت‌های نوعی، واجب است؛ یعنی چون در نوع خانواده‌ها زن متکفل تکالیفی از قبیل بارداری، شیردهی، بچه‌داری و خانه‌داری است؛ ضرورت دارد که پرداخت هزینه زندگی او بر شوهر واجب شود.

اگر پرداخت هزینه زندگی زن بر شوهر واجب باشد، نفقه فرزندان نیز به طریق اولی واجب خواهد بود. به همین دلیل، زن حق دارد در برابر شیر دادن به بچه و پرستاری و مراقبت از وی، از شوهرش مطالبه مزد کند. البته زانی هم هستند که شوهر ندارند و مجبورند برای ادامه زندگی خودشان کار کنند یا زانی هم هستند که می‌خواهند اضافه بر خانه‌داری در بیرون از منزل نیز فعالیت اقتصادی و درآمد داشته باشند؛ اما به هر حال باید پذیرفت که در هر جامعه، و به ویژه در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام، مردان بیش از زنان عهده‌دار تأمین هزینه زندگی هستند. دین مبین باید طرحی ارائه کند که بر اساس آن مرد بتواند به خوبی از عهده پرداخت هزینه زندگی خانواده‌اش برآید تا زن مجبور به فعالیت اقتصادی در بیرون از خانه نشود و بتواند رسالت مادری را به خوبی انجام دهد. فقط در این صورت نظام خانوادگی مطلوب و پایدار خواهد بود.

علامه مصباح یزدی بعد از بیان کلیت وظایف و حقوق زن و مرد نسبت به یکدیگر، اشاره به نکات مورد اهمیت و مصداقی در عدم ظلم نسبت به زن مطرح می‌کنند:

۱. مرد و زن از لحاظ ماهیت انسانی و لوازم آن، یکسان‌اند؛ یعنی هر دو «انسان» هستند. نهایت اینکه در عین داشتن وحدت نوعی، به دو صنف منطقی یا (به تعبیر عرفی) به دو جنس تعلق دارند. در آیه اول سوره «نساء» می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا»؛ ای مردم! از پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و همسر او را از او آفرید، بترسید.

مثال، عبارت «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام» (بقره: ۱۸۳).
 ۶. بین مرد و زن، هیچ تفاوت ناروا و ظالمانه‌ای نباید وجود داشته باشد. اعراب جاهلی دختران را زنده به گور می‌کردند که قرآن کریم در سوره «نحل» (آیه ۵۹ و ۵۸) و «تکویر» (آیه ۹۰) این رسم را به‌سختی نکوهش می‌کند یا بچه‌های چارپایان را اگر زنده می‌ماندند، فقط از آن مردان می‌دانستند و آنها را بر زنان حرام می‌پنداشتند.
 ۷. همان‌گونه که مردان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مستقل‌اند، زنان نیز استقلال اجتماعی و سیاسی دارند؛ نه اینکه تابع مردان باشند. تا آنجا که تفاوت‌های جسمی و روانی و حکمت الهی چیزی را اقتضا نکند، آنان به‌طور یکسان در شئون اجتماعی، حق مشارکت دارند. بهترین آیه‌ها بر استقلال زنان در امور اجتماعی سیاسی دلالت می‌کند (ممتحنه: ۱۲).

۳-۶. حقوق زن

براساس رویکرد علامه مصباح یزدی که مبنی بر آیات الهی است، اسلام در قبال وظایفی که زن در خانواده به‌عهده دارد برای او حق و حقوقی قائل است که ذکر می‌کنیم:

الف. حق مهریه

اسلام برای تشکل و استمرار نظام خانواده، پاره‌ای حقوق اقتصادی را برای زن قرار داده است. اگر در ازدواج، مهریه ذکر نشود، در صورتی که نکاح دائم باشد، مهرالمثل بر عهده مرد می‌آید و در صورتی که نکاح، موقت باشد، اساساً باطل می‌شود. البته زن می‌تواند پس از انجام عقد نکاح، مهریه خود را به شوهر ببخشد؛ چنان که ممکن است از ابتدا، زن مالی را به مرد ببخشد تا مرد از آن مال، مهریه‌ای برای نکاح با آن زن قرار دهد.

قرآن کریم از حق مهر یا صدق در آیات متعددی سخن می‌گوید؛ از جمله آیه ۴ سوره نساء، «مهر زنان را به‌طور کامل به آنان پرداخت کنید؛ ولی اگر آنها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما بخشیدند، حلال و گوارا مصرف کنید!»

در این آیه به اهمیت مهریه و اینکه از حقوق زن است، اشاره می‌کند و عدم پرداخت مهریه را در صورت رضایت زن اجازه می‌دهد؛ به این معنا که اگر زنی راضی به بخشش مهر نباشد، بر مرد جایز نیست که مهریه او را تصاحب کند.

شبهه‌کنندگان و به‌ظاهر طرفداران از حقوق زن گاهی به آیات ۲۱ و ۲۲ سوره «نجم»، استناد می‌کنند: «الکفر الذکر و له الأثی تلک ایداً قِسْمَةٌ صِیْرَى»؛ آیا پسر خاص شماسست و دختر خاص خداوند! این قسمتی ظالمانه است؛ و می‌گویند: مفاد این آیه‌ها این است که به هر حال، زن از مرد پست‌تر است؛ زیرا در این آیه‌ها، مشرکان سرزنش می‌شوند که چرا درحالی که خدا پسران را دوست می‌دارد، فرشتگان الهی را دختران خدای متعالی می‌انگارند. اگر دختر هم‌عرض پسر می‌بود، چرا خداوند این تقسیم را نمی‌پذیرد و آن را ستم‌گرانه می‌داند؟ در پاسخ باید گفت: قرآن کریم، روش محاوره و گفت‌وگوی جدلی را می‌پذیرد و خود، از این شیوه که برای ساکت کردن خصم و مخالف است، بر مبنای آنچه خود وی پذیرفته، استفاده می‌کند. آنچه در آیه‌های مذکور آمده، در واقع سخنانی جدلی است، نه برهانی؛ یعنی محکومیت مشرکان را براساس آنچه نزد خودشان مسلم است، معلوم می‌دارد، نه بر پایه آنچه از دیدگاه خود قرآن درست است.

برتری پسر و مرد بر دختر و زن، اصلی است که نزد مشرکان مسلم بوده، نه قرآن. قرآن کریم به مشرکان نشان می‌دهد که بر مبنای این اصل مسلم‌شان، محکوم هستند و سخنی ظالمانه می‌گویند. قرآن ناقص‌تر بودن زن از مرد را به لحاظ انسانیت و لوازم آن مردود می‌داند.

۲. مرد و زن بر اثر عبودیت خدای متعالی و انجام تکالیفی که برعهده آنان است، به‌طور مساوی و یکسان استکمال می‌یابند. چنین نیست که بعضی از انواع و مراتب کمالات انسانی، به مردان اختصاص داشته باشد و زنان را در آن سهمی و مشارکتی نباشد، یا بعکس.

۳. در هریک از دو جناح حق و باطل، هم مرد و هم زن وجود دارد و چنین نیست که تکیه جناح حق یا جناح باطل بر مردان یا زنان باشد؛ آنچه انسان‌ها را (اعم از مرد و زن) در دو جناح حق و باطل جای می‌دهد.

۴. بسیاری از تکالیف و مسئولیت‌ها میان مردان و زنان مشترک است؛ چه در آیاتی که فقط صیغه مذکر آمده و چه در آیاتی که هر دو صیغه به‌کار رفته است؛ مانند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۵).

۵. بیشتر خطاب‌های قرآنی و اوامر و نواهی آن، متوجه مردان و زنان با هم است و هیچ اختصاصی به مردان ندارد؛ اگرچه به‌دلیل ویژگی زبان عرب از جهت صرفی با صیغه‌های مذکر آمده باشد؛ برای

کارهای مشترک خانواده، از شوهر درخواست دستمزد کند. زن می‌تواند به فرزند خود شیر نهد و نیز حق دارد که در برابر شیر دادن از شوهر خود مزدی بطلبد (بقره: ۲۳۳).

آیت‌الله مصباح یزدی در مورد نحوه دریافت این حق می‌فرماید: البته قابل ذکر است که زن در قبال برخورداری از این حق، باید حقوق شوهر خود را از حق تمکین و اجازه خروج از منزل به‌جا آورد. علاوه بر آن، هرچند می‌تواند در قبال این کارها از مرد مزد بگیرد و در صورت کوتاهی این وظایف از مرد، اقامه دعوا کند؛ اما از آنجایی که اساس زندگی در اسلام بر محور مدارا و سازش و تقدم اخلاق بر اقامه حق در دادگاه قضایی است؛ سعی بر سازش و مدارا داشته باشند.

در حقیقت علامه مصباح یزدی در این موارد توصیه به سازش و مدارا دارند و طرفین را به گذشت در اجرای حقوق و پیگیری از دادگاه‌های قضایی توصیه می‌کنند؛ زیرا صبر و مدارا در این مسائل موجب قوام خانواده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۲).

د. حق ارث

زنان همچون مردان حق مالکیت دارند و از استقلال اقتصادی بهره‌مندند. در دنیای غرب تا چند دهه اخیر، زنان استقلال اقتصادی نداشتند؛ اما در جهان اسلام به موجب تعالیم قرآنی از چهارده قرن پیش، حق مالکیت و سهم ارث زنان به رسمیت شناخته شد (نساء: ۷). در نظام حقوقی اسلام، سهم‌الارث مرد دو برابر سهم‌الارث زن است؛ البته در پاره‌ای از فروع و شقوق مبحث میراث، سهم مرد یا کمتر از موارد یاد شده است، یا بیشتر از آن؛ و به‌هرحال همواره سهم مرد دو برابر سهم زن نیست.

علامه مصباح یزدی معتقدند در حق ارث نه تنها بر زن ظلمی نرفته، بلکه برعکس، سودی که از سرمایه بیشتر نصیب مرد می‌شود، اغلب عاید زن می‌شود. بگذریم از اینکه زن می‌تواند سرمایه خود را نیز به‌کار اندازد و از آن سودی به‌دست آورد.

ایشان علاوه بر اینکه زنان را دارای استقلال مالی می‌دانند، میزان ارث زن را به معنای بی‌ارزشی و نادیده گرفتن حقوق زن نمی‌شمارند؛ بلکه چون زن نسبت به مرد از مسئولیت‌های اقتصادی کمتری برخوردار است، به‌تناسب، از ارث کمتری هم برخوردار می‌شود؛ از طرفی در امور دیگر مثل دریافت نفقه و مهریه این مسئله جبران می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۸۹).

همچنین از مردان خواسته است که مهریه زن‌ها را بپردازند و در پرداخت حيله و نیرنگ به کار نبرند (نساء: ۲۱۰ و ۲۱۱).

این آیه تأکید دیگری بر این مسئله است که مبدا برای عدم پرداخت این حق از راه‌های فریب و نیرنگ بر آنها وارد شوند.

ب. حق نفقه

آیت‌الله مصباح یزدی در توصیه‌ها و سفارشات اخلاقی و بیان مسائل حقوقی در ضمن پاسخ به شبهات در مسئله زنان، بارها بر مسئله نفقه زن تأکید داشته و براساس برداشت از آیات قرآن (بقره: ۲۳۳) قائل‌اند که شوهر موظف است همه هزینه‌های زندگی زنش را بپردازد. بدون شک بعضی از کارهای خانه، مانند آبستنی و زایمان و شیردهی جز از زن بر نمی‌آید. درباره سایر کارها نیز که مرد هم می‌تواند آنها را انجام دهد، باید گفت که اولاً معمول و متعارف آن است که زن کارهای مربوط به محیط خانه، و مرد فعالیت‌های بیرون از خانه را بر عهده می‌گیرد. البته این قبیل کارها ربطی به پرداخت نفقه ندارد تا گفته شود که مرد حق امتناع از انجام دادن آنها را ندارد. ثانیاً اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی نیز اقتضا دارد که کارهای مشترک اعضای خانواده به دو قسم تقسیم شود: کارهای درونی بر عهده زن گذاشته شود و کارهای بیرونی از مرد خواسته شود. این‌گونه تقسیم کار تقریباً در همه جوامع معمول و متعارف است و مورد پسند شارع مقدس اسلام نیز هست. اگرچه این تقسیم کار عادلانه است و نفعش عاید مرد و زن می‌شود و اگرچه زن حق دارد که هیچ‌یک از کارهای درون خانه، یعنی شیردهی، بچه‌داری و خانه‌داری را نیز انجام ندهد؛ یا برای به انجام رساندنشان از شوهر مزد بخواهد؛ اما به‌هرحال شکی نیست که فعالیت‌های اقتصادی زن هیچ‌گاه نمی‌تواند به فراوانی و گستردگی فعالیت‌های اقتصادی مرد باشد؛ دست‌کم به این سبب که زن در دوران بارداری و عادت ماهانه دچار ناتوانی بدنی و روحی می‌گردد، که از نشاط او می‌کاهد. به‌همین جهت از شوهر خواسته شده که مخارج خوراک، پوشاک، مسکن و دیگر احتیاجات همسر خود را لزوماً بپردازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۴۲).

ج. حق اجرت

سومین حق اقتصادی زن بر شوهر این است که می‌تواند در ازای هریک از کارهای شیردهی، حضانت و پرستاری و خانه‌داری و سایر

هـ. حق مشارکت سیاسی و اجتماعی

از دیدگاه اسلام زن موجود طفیلی و تابع مرد نیست؛ بلکه عضو اصلی جامعه به‌شمار می‌رود و در ترقی و انحطاط آن نقش دارد. همان‌گونه که مرد حق مشارکت در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی دارد، زن نیز در این عرصه مستقل است؛ مگر در مواردی که مربوط به تفاوت‌های جسمی و روانی آنان می‌گردد. بنابراین زن در پذیرش اسلام، هجرت، بیعت، شرکت در انتخابات و اظهارنظر در مسائل و مشکلات اجتماعی و نظایر آن استقلال کامل دارد. آیتی در قرآن بر استقلال زنان در این‌گونه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی دلالت دارند؛ در آیه ۱۲ سوره «ممتحنه» نسبت به این مسئله اشاره شده است: «یا ایها النبی اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ بِيَاغُنِكَ عَلَيَّ أَنْ لَّا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را همتای خدا قرار ندهند، و دزدی و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و تهمت و افتزایی را که ساخته‌اند به کسی نسبت ندهند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند؛ با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.

خداوند در این آیه خطاب به پیامبر خود می‌فرماید هرگاه زنان مؤمنان نزد تو آمدند که با تو بیعت کنند که به خدا شرک نوزند و سرقت و زنا نکنند و اولاد خود را نکشند و مرتکب عصیان نشوند؛ با آنها بیعت کن. علامه مصباح یزدی با استناد به این آیه قرآن معتقدند که زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی مستقلی برخوردارند و در مسائل مهم اخروی و دنیوی تصمیمات و نظرات آنها دارای اهمیت است؛ به‌حدی که خداوند رسول خود را مقید به بیعت با این زنان می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۴). به‌همین دلیل در روش زندگی ایشان، شرکت زنان در رأی‌گیری و راهپیمایی و شرکت در مشاغل و مناصب مختلف از ناحیه زنان با حفظ و تأکید بر رعایت شئون و حدود اسلامی مورد تأیید بوده است.

و. حق شهادت دادن

از نظر قرآن کریم، شهادت دو زن معادل با شهادت یک مرد است. البته در این زمینه مسائل فراوانی قابل طرح است؛ از جمله اینکه چرا

اصل بر شهادت و گواهی دادن مرد است؟ اگر مرد برای ادای شهادت اولی و اصلح است، چرا قرآن کریم شهادت زن را پذیرفته و آن را معادل نصف شهادت مرد دانسته است؟ در پاسخ این پرسش‌ها می‌توان گفت که شاهد گرفتن و ادای شهادت بدین منظور است که حقی پایمال نشود. از این‌رو دو صفت، شرط لازم هر شهادت است: یکی اینکه شاهد در مقام تحمل شهادت هوشیار و زیرک باشد و موضوع را به‌دقت و درستی ضبط کند؛ دیگر آنکه در مقام ادای شهادت تحت تأثیر احساسات و عواطف واقع نشود و هرچه را شاهد و ناظر بوده، بی‌کم و کاست و افزایش و پیرایش بازگو کند و شهادت دهد. چنان که ممکن است شاهد تحت تأثیر احساسات و عواطف خود قرار گیرد و به‌هر دلیلی حق را زیر پا بگذارد و برخلاف واقع شهادت بدهد. با توجه به این دو وصف، اگر جنس مرد و زن مقایسه شوند، معلوم خواهد شد که مردان در هر دو جهت، قوی‌تر از زنان هستند. بنابراین مردان برای تحمل و ادای شهادت از زنان شایسته‌ترند. به‌همین جهت، اصل بر این است که مرد شهادت دهد؛ کما اینکه در کار قضا و داورى نیز امر بر همین منوال است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۲).

اما اینکه چرا شهادت زن نیز پذیرفته است، دلیلش روشن است؛ زیرا در بسیاری از موارد اگر شهادت زن مقبول و معتبر نباشد، حقوق فراوانی پایمال خواهد شد. معمولاً کسی را شاهد می‌گیرند که همواره در دسترس طرفین معامله باشد تا اگر اختلافی و نزاعی میان طرفین پیش آمد، بتوانند او را احضار و از وی درخواست شهادت کنند. پیداست که در هر اوضاع و احوالی امکان دسترس به شهادت مردان نیست. بنابراین به ناچار باید شهادت زن را هم فی‌الجمله معتبر انگاشت تا در صورت عدم دسترسی به مردان واجد شرایط شهادت، بتوان زنان را به تحمل و ادای شهادت فراخواند. پرسش دیگری که مطرح است، این است: اگر شهادت زن مقبول است و لازم، چرا شهادت زن هم‌ارز شهادت مرد نیست؟ چرا قرآن کریم شهادت دو زن را هم‌تراز شهادت یک مرد قرار داده است؟ پاسخ این است که زن در تحمل و ادای شهادت همانند مرد نیست. از آنجاکه ممکن است زنی واقعه را فراموش کرده یا تحت تأثیر احساسات و عواطف و یا هر دلیلی از حق عدول کند؛ احتیاط حکم می‌کند که زن دیگری را همراه و قرین وی سازیم تا زمینه انحراف از شهادت عادلانه به حداقل کاهش یابد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۱۵۷).

زن و مرد را توصیه می‌کند و هر کدام را سفارش به اموری می‌کند. این تقسیم وظایف، در تقویت و استحکام خانواده تأثیر بسزایی دارد. بدون شک هریک از زن و مرد در برابر تکالیف و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد، حقوق و اختیاراتی نیز خواهد داشت. از جمله وظایف مرد، مدیریت خانواده و پرداخت حقوق مالی زن و فرزندان است؛ در قبال این وظیفه، مرد از حقوقی برخوردار است که زن باید حق تمکین او را به‌جای آورد و بدون اجازه او از منزل خارج نشود. از طرفی زن نیز حقوقی دارد که مرد باید در انجام آنها کوتاهی نکند؛ از جمله، پرداخت نفقه و مهریه و

منابع

- بستان نجفی، حسین، ۱۳۹۷، «جنسیت در خانواده از دیدگاه جامعه‌شناسی اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۱۳، ص ۳۷-۶۲
- توحیدی، مریم، ۱۳۹۲، «نگاهی به شخصیت زن از منظر آیات و روایات با تأکید بر بحث تعارض دلیل‌ها»، *مطالعات زنان*، دوره اول، ش ۱، ص ۴۰-۷.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۰۲ق، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۴۳، «زن یا نیمی از پیکره اجتماع»، *مکتب تشیع*، ش ۱۱، ص ۱۶۱-۱۹۶.
- ، ۱۳۹۱الف، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۹۱ب، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۹۲الف، *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ، ۱۳۹۲ب، *جامی از زلال کوتر*، تحقیق و نگارش محمدباقر حیدری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

پیداست که در هر اوضاع و احوالی، همیشه یک یا دو مرد در دسترس نیست؛ بنابراین ناگزیر باید شهادت زن را هم معتبر دانست تا هرگاه مردی با آن اوصاف یافت نشد، بتوان زنان را به تحمل و ادای شهادت فراخواند. اما در پاسخ به این پرسش که چرا شهادت زن هم‌عرض شهادت مرد نیست؟ باید گفت که زن نه در مقام «تحمل» شهادت، قدرت لازم را داراست، و نه در مقام ادای آن؛ در نتیجه به سبب آنکه ممکن است زنی واقعه را فراموش کرده یا تحت تأثیر احساسات و عواطف خود قرار گیرد و به‌رحال از حق عدول کند و به گمراهی بیفتد؛ احتیاط حکم می‌کند که زن دیگری را همراه وی سازیم تا احتمال حق‌کشی و خطا کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

براساس رویکرد علامه مصباح یزدی، توجه به مسئله زنان و حقوق آنها به‌عنوان نیمی از پیکره اجتماع، از اهمیت بسزایی برخوردار است. با شناخت حقوق زن، شخصیت حقیقی زن به‌عنوان یک انسان و خصوصاً یک مسلمان، به‌طور دقیق شناخته می‌شود و کرامت انسانی او در سایه شناخت این حقوق و اجرای آن حفظ می‌گردد. به‌همین دلیل بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های زن و مرد در جنبه‌های مختلف ضروری است.

زن در ماهیت انسانی با مرد اشتراک دارد؛ یعنی زن مانند مرد، انسان است؛ پس همه اموری که از نظر تکوینی و تشریحی برای انسان به‌لحاظ انسان بودنش ثابت است، برای زن نیز ثابت خواهد بود. موارد تکوینی و تشریحی که زن در آنها با مرد تفاوت و اختلاف دارد، به‌یقین با انسانیت که وجه اشتراک مرد و زن است، ربطی ندارد. زن و مرد از جهت ارزش ذاتی و حقیقت انسانی در پیشگاه الهی یکسان‌اند و در سیر بندگی و امکان رسیدن به مقامات عالی معنوی هیچ مزیت و رجحانی بر یکدیگر ندارند.

اما تفاوت‌های موجود در زن و مرد سبب تنوع حقوق و احکامی میان آن دو می‌گردد. این امر به دو بخش کلی قابل تقسیم است: تفاوت‌های جسمانی که با تجربه حسی قابل درک است؛ و تفاوت‌های روحی که آگاهی به آن از طریق تجربه حسی مقرون به تجزیه و تحلیل‌های عقلانی، امکان‌پذیر است و در علم روان‌شناسی از آن بحث می‌شود.

اسلام به‌منظور استحکام بنیان خانواده نوعی تقسیم کار میان